

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد

گروه حقوق

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی حقوق جزا و جرم‌شناسی

بررسی تطبیقی علل موجهه جرم در حقوق بین‌الملل کیفری و نظام حقوقی ایران

استاد راهنما:

دکتر حسن پوربافرانی

استاد مشاور:

دکتر محمود جلالی

پژوهشگر:

مصطفی افشین پور

دی ماه ۱۳۸۹

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری‌های
ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه اصفهان
است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصاد





گروه حقوق

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی حقوق جزا و جرم شناسی

آقای مصطفی افشین پور تحت عنوان

بررسی تطبیقی علل موجهه جرم در حقوق بین الملل کیفری و نظام حقوقی ایران

در تاریخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۶ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

- ۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر حسن پوربافرانی با مرتبه ی علمی استادیار
امضا: 
- ۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر محمودجلالی با مرتبه ی علمی استادیار
امضا: 
- ۳- استاد داور داخل گروه دکتر قدرت الله خسروشاهی با مرتبه ی علمی استادیار
امضا: 
- ۴- استاد داور خارج از گروه دکتر حسن عالی پور با مرتبه ی علمی استادیار
امضا: 

امضای مدیر گروه

اینک که تمصیلاته را در دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه اصفهان به پایان رسانده، لازم می‌دانم مراتب سپاسگزاری خود را از زحمات استاد ارجمند و فرزانه حقوق کیفری جناب آقای دکتر مسن پوربافرانی که دلسوزانه مرا در تدوین این پایان‌نامه یاری نموده و همچنین راهنمایی‌های استاد گرانقدر جناب آقای دکتر محمود جلالی که استاد مشاورم در نگارش این اثر بوده‌اند اعلام دارم.

از زحمات سرکار خانم رضایی مسئول دفتر محترم گروه حقوق نیز کمال تشکر و قدردانی را دارم.

از ایزد یکتا طول عمر با عزت ایشان و خانواده محترمشان را مسئلت می‌نمایم.

تقدیم به

پدر بزرگوارم به پاس تمام لطفهایش

مادر مهربانم به پاس تمام فداکاریهایش

برادران عزیزم که همواره پشتیبانم بوده اند

و

یگانم خواهرم که بسیار دوستش می دارم.

چکیده

علل موجهه‌ی جرم به عنوان عواملی که عنصر قانونی جرم را زائل نموده و سبب اباحه‌ی فعل به ظاهر مجرمانه می‌گردند، به موازات طرح در حقوق داخلی در قلمرو حقوق بین الملل کیفری نیز قابل بررسی می‌باشد. در این رساله سعی می‌شود علاوه بر تبیین جایگاه علل موجهه‌ی جرم در نظام حقوقی ایران و حقوق بین الملل کیفری با تفکیکی مبتنی بر استدلال و منطق حقوقی و با استفاده از معیارهای حقوق داخلی بین علل موجهه‌ی جرم در حقوق بین الملل کیفری و مفاهیم مشابه آن همچون علل رافع مسئولیت کیفری تفکیک و تمایز قایل شد. در این تحقیق میزان پذیرش قواعد و اسلوبهای حقوق داخلی در قلمروی حقوق بین الملل کیفری مورد بررسی قرار می‌گیرد و این مطلب به اثبات خواهد رسید که حقوق بین الملل کیفری برای بیان مفاهیم و نهادهای خود به ویژه در بحث علل موجهه‌ی جرم بیش از همه به حقوق داخلی متکی بوده و مضامین و اسلوبهای خود را از حقوق داخلی کشورها اخذ نموده است. با بررسی تعریف، آثار و مصادیق علل موجهه‌ی جرم همچون دفاع مشروع، امر آمرقانونی و اضطرار بدین نتیجه خواهیم رسید که شباهتهای فراوانی بین دو حوزه حقوق کیفری داخلی و حقوق بین الملل کیفری وجود دارد.

کلیدواژه ها : علل موجهه جرم، حقوق بین الملل کیفری، امر آمر قانونی، دفاع مشروع، اضطرار

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار.....	ز
فصل اول : طرح تحقیق	
۱-۱- شرح و بیان مساله پژوهشی.....	۱
۲-۱- فرضیه‌ها و سؤالهای تحقیق.....	۲
۳-۱- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق.....	۳
۴-۱- اهداف تحقیق.....	۴
۵-۱- اهمیت و ارزش تحقیق.....	۴
۶-۱- کاربرد نتایج تحقیق.....	۵
۷-۱- روش تحقیق و چارچوب نظری.....	۵
۸-۱- کلید واژه‌ها.....	۵
فصل دوم : کلیات	
۱-۲- تعریف حقوق بین الملل کیفری.....	۷
۲-۲- تعریف، ماهیت و انواع علل موجهه جرم.....	۸
۳-۲- مبانی عدم مسئولیت در علل موجهه‌ی جرم.....	۱۲
۴-۲- تمایز علل موجهه‌ی جرم از عناوین مشابه.....	۱۴
۵-۲- تعریف و مصادیق علل رافع مسئولیت کیفری، تفکیک آن از علل موجهه جرم و آثار مترتب بر این تفکیک.....	۱۵
۶-۲- تعریف و مصادیق معاذیر قانونی، تفکیک آن از علل موجهه جرم و آثار مترتب بر این تفکیک.....	۲۴
۷-۲- تعریف و ماهیت ماهیت علل موجهه جرم در حقوق بین الملل کیفری.....	۲۵
۸-۲- تمایز علل موجهه جرم از عناوین مشابه در حقوق بین الملل کیفری.....	۲۷
۹-۲- لزوم تفکیک علل موجهه جرم از مفاهیم مشابه در حقوق بین الملل کیفری.....	۲۹
۱۰-۲- ملاک و معیار تفکیک علل موجهه‌ی جرم از مفاهیم مشابه در حقوق بین الملل کیفری.....	۳۰
فصل سوم : مصادیق علل موجهه ی جرم در نظام حقوقی ایران	
۱-۳- حکم قانون.....	۳۲
۱-۱-۳- تعریف و ماهیت حکم قانون.....	۳۲

۳۳	۲-۱-۳- مخاطبین حکم قانون
۳۴	۳-۱-۳- اقسام حکم قانون
۳۴	۴-۱-۳- حکم قانون در نظام حقوقی ایران
۳۵	۵-۱-۳- تمایز حکم قانون از اجازه ی قانون
۳۶	۶-۱-۳- اجازه قانون در نظام حقوقی ایران
۳۸	۲-۲-۳- امر آمر قانونی
۳۸	۱-۲-۳- تعریف و ماهیت امر آمر قانونی
۳۸	۲-۲-۳- شرایط امر آمر قانونی
۴۰	۳-۲-۳- نظریات مختلف در توجیه لازم الاتباع بودن امر آمر قانونی
۴۱	۴-۲-۳- رابطه ی حکم قانون و امر آمر قانونی
۴۱	۵-۲-۳- امر آمر قانونی در نظام حقوقی ایران
۴۲	۳-۳- دفاع مشروع
۴۲	۱-۳-۳- تعریف و ماهیت دفاع مشروع
۴۴	۲-۳-۳- مبانی فلسفی دفاع مشروع
۴۵	۳-۳-۳- شرایط دفاع مشروع
۵۰	۴-۳-۳- دفاع مشروع در نظام حقوقی ایران
۵۱	۴-۳- اضطرار
۵۱	۱-۴-۳- تعریف و ماهیت اضطرار
۵۲	۲-۴-۳- مبانی فلسفی حالت اضطرار
۵۲	۳-۴-۳- تفاوت اضطرار با عناوین مشابه
۵۴	۴-۴-۳- اضطرار جزء عوامل موجهه جرم است یا علل رافع مسئولیت کیفری
۵۷	۵-۴-۳- شرایط اضطرار
۵۸	۶-۴-۳- اضطرار در نظام حقوقی ایران
۵۹	۵-۳- رضایت مجنی علیه
۵۹	۱-۵-۳- تعریف و ماهیت رضایت مجنی علیه
۶۰	۲-۵-۳- شرایط رضایت مجنی علیه
۶۰	۳-۵-۳- آثار رضایت مجنی علیه

فصل چهارم : مصادیق علل مواجهه‌ی جرم در حقوق بین الملل کیفری

- ۴-۱-۱- دفاع مشروع..... ۶۳
- ۴-۱-۱-۱- تعریف و ماهیت دفاع مشروع در حقوق بین الملل کیفری..... ۶۳
- ۴-۱-۱-۲- شرایط دفاع مشروع در حقوق بین الملل کیفری..... ۶۴
- ۴-۱-۱-۳- صور مختلف دفاع مشروع در حقوق بین الملل کیفری..... ۶۷
- ۴-۱-۱-۴- دفاع پیشگیرانه..... ۶۸
- ۴-۱-۴-۱- تعریف و ماهیت دفاع پیشگیرانه..... ۶۸
- ۴-۱-۴-۲- انواع حالات دفاع پیشگیرانه..... ۶۸
- ۴-۱-۴-۳- رد یا قبول این دفاع..... ۶۹
- ۴-۱-۴-۵- اثر دفاع مشروع در حقوق بین الملل کیفری..... ۷۱
- ۴-۱-۴-۶- جایگاه دفاع مشروع در رویه‌ی قضایی بین المللی..... ۷۱
- ۴-۱-۶-۱- دادگاه نورنبرگ..... ۷۱
- ۴-۱-۶-۲- دادگاه توکیو..... ۷۲
- ۴-۱-۶-۳- دیوان بین المللی دادگستری..... ۷۲
- ۴-۱-۶-۴- مواردی دیگر..... ۷۳
- ۴-۱-۷- جایگاه دفاع مشروع در کنوانسیونها و معاهدات بین المللی..... ۷۳
- ۴-۱-۷-۱- دفاع مشروع در میثاق جامعه‌ی ملل مصوب ۱۹۱۹ م..... ۷۳
- ۴-۱-۷-۲- قرارداد لوکارنو..... ۷۴
- ۴-۱-۷-۳- بریان گلوک..... ۷۴
- ۴-۱-۷-۴- دفاع مشروع در منشور سازمان ملل..... ۷۴
- ۴-۱-۷-۵- قراردادهای چهارگانه ژنو..... ۷۶
- ۴-۱-۷-۶- مواد کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد در باره مسئولیت دولت مصوب سال ۲۰۰۱..... ۷۷
- ۴-۱-۷-۷- دفاع مشروع در اساسنامه دیوان بین المللی کیفری..... ۷۷
- ۴-۲- مقابله به مثل..... ۷۸
- ۴-۲-۱- تعریف و ماهیت مقابله به مثل..... ۷۸
- ۴-۲-۲- شرایط و ارکان اقدامات متقابل..... ۷۸

۳-۲-۴- انواع مقابله به مثل.....	۸۰
۵-۲-۴- تفاوت مقابله به مثل و دفاع مشروع.....	۸۰
۶-۲-۴- اثر مقابله به مثل در حقوق بین الملل کیفری.....	۸۱
۷-۲-۴- مقابله به مثل در رویه قضایی بین المللی.....	۸۲
۸-۲-۴- مقابله به مثل در کنوانسیون ها و معاهدات بین المللی.....	۸۳
۱-۸-۲-۴- مقابله به مثل در کنواسیونهای لاهه و ژنو.....	۸۳
۲-۸-۲-۴- مقابله به مثل در مواد کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد راجع به مسئولیت دولت مصوب سال ۲۰۰۱.....	۸۳
۳-۸-۲-۴- مقابله به مثل در اساسنامه‌ی دیوان بین المللی کیفری.....	۸۴
۳-۴- امر آمر قانونی.....	۸۵
۱-۳-۴- تعریف و ماهیت امر آمر قانونی در حقوق بین الملل کیفری.....	۸۵
۲-۳-۴- دیدگاه های مختلف درباره پذیرش یا رد دفاع امر آمر قانونی.....	۸۶
۳-۳-۴- عناصر ساختاری امر آمر قانونی در حقوق بین الملل کیفری.....	۸۷
۴-۳-۴- شرایط امر آمر قانونی در حقوق بین الملل کیفری.....	۸۸
۵-۳-۴- اثر دفاع امر آمر قانونی در حقوق بین الملل کیفری.....	۸۹
۶-۳-۴- امر آمر قانونی در رویه‌ی قضایی بین المللی.....	۹۱
۱-۶-۳-۴- قبل از جنگ جهانی دوم.....	۹۱
۱-۶-۳-۴- پرونده داور کاسل.....	۹۱
۲-۶-۳-۴- پرونده لاندووری کاسل.....	۹۲
۲-۶-۳-۴- پس از جنگ جهانی دوم.....	۹۲
۱-۲-۶-۳-۴- دادگاه نورنبرگ.....	۹۲
۲-۲-۶-۳-۴- محاکمات بعدی.....	۹۳
۱-۲-۲-۶-۳-۴- پرونده گروههای عملیاتی.....	۹۳
۲-۲-۲-۶-۳-۴- پرونده فرماندهان عالی.....	۹۴
۳-۲-۲-۶-۳-۴- پرونده ستوان کالی.....	۹۴
۴-۲-۲-۶-۳-۴- قضیه کاپلر و سایرین.....	۹۵
۵-۲-۲-۶-۳-۴- قضیه کاروئلی و سایرین.....	۹۵

۴-۵-۴- رضایت در کنوانسیونها و معاهدات بین المللی ۱۱۳

۴-۵-۴-۱- رضایت در مواد کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد راجع به مسئولیت دولت مصوب

سال ۲۰۰۱ میلادی ۱۱۳

۴-۵-۴-۲- رضایت در اساسنامه دیوان بین المللی کیفری مصوب ۱۹۹۸ ۱۱۴

فصل پنجم : بررسی تطبیقی

۵-۱- دفاع مشروع ۱۱۶

۵-۲- مقابله به مثل ۱۱۷

۵-۳- امر آمر قانونی ۱۱۸

۵-۴- اضطرار ۱۲۰

۵-۵- رضایت ۱۲۱

نتیجه گیری ۱۲۲

منابع و مآخذ ۱۲۵

پیشگفتار

حقوق بین الملل کیفری در عمر کوتاه خود که شاید به یک سده هم نرسد بسیار مورد توجه حقوقدانان بین المللی قرار گرفته است. به وجود آمدن دادگاههای بین المللی به ویژه پس از جنگ دوم جهانی همچون دادگاههای نورنبرگ و توکیو توجه حقوقدانان را به این شاخه از حقوق بین الملل افزون نمود. با تاسیس دادگاههای بین المللی خاص برای رسیدگی به جرایمی که نظم و امنیت بین المللی را به مخاطره می انداخت مثل دادگاه بین المللی رسیدگی کننده به جرایم ارتكابی در یوگسلاوی سابق^۱ و دادگاه رواندا^۲ اقبال جامعه جهانی و حقوقدانان به مباحثه و تدقیق در این زمینه حقوقی بیشتر شد و امروزه با تاسیس دیوان بین المللی کیفری^۳، حقوق بین الملل کیفری به رشته ای جدید و پراهمیت تبدیل شده است که قلم فرسایی حقوقدانانی که دغدغه ی صلح و امنیت بین المللی دارند را طلب می کند. حال که تا حدی با اهمیت تحقیق و مطالعه در قلمرو حقوق بین الملل کیفری به عنوان رشته ای از حقوق بین الملل (چه بسا رشته ای میان رشته ای بین حقوق بین الملل و حقوق کیفری داخلی کشورها) که در حال حاضر مراحل تکامل خود را سپری می کند آشنا شدیم باید به این نکته نیز اشاره کنیم که حقوق بین الملل کیفری در مباحث خود بیش از همه به حقوق داخلی وام دار است و به نظر می رسد مبانی و مفاهیم خود را از حقوق داخلی کشورها اخذ نموده است. بی هیچ تردیدی از نظر سبقه-ی تاریخی، شکل گیری حقوق کیفری داخلی کشورها مقدم بر حقوق بین الملل کیفری می باشد. در واقع حقوق بین الملل کیفری که عمری بیش از یک قرن را برای آن نمی توان متصور بود در مقایسه با حقوق داخلی از عمری نه چندان برخوردار است. این امر مسلم و بدیهی در پی خود دو نتیجه را به همراه خواهد داشت. نخست اینکه به دلیل قدمت حقوق بین الملل کیفری در مقایسه با حقوق داخلی این امر مسلم و بدیهی است که معتقد باشیم حقوق بین الملل کیفری که در معاهدات و رویه قضایی بین المللی تبلور می یابد در بیان اسلوبها و قواعد اساسی خود از ذخیره تقنینی حقوق داخلی کشورها به ویژه کشورها و ملل متمدن بهره مند گردیده است. تقویت این نظریه تا حدی است که اساسنامه دیوان بین الملل کیفری نیز در پاراگراف ج ماده ۲۱ خود در این باره مقرر می دارد؛ در هر موردی که اساسنامه دیوان در آن موضوع خاص ساکت بوده و معاهدات قابل اجرا و اصول و قواعد حقوق بین الملل نیز حکمی در آن مورد صادر نکرده باشند، اصول عمومی حقوق که توسط دیوان از قوانین نظامهای حقوقی جهان استخراج شده باشد قابل اجرا خواهد بود. همچنین در ماده ۳۸ اساسنامه ی دیوان بین المللی دادگستری آمده است که؛ دیوان بین المللی دادگستری که مأموریت دارد اختلافاتی را که به آن رجوع می شود بر طبق حقوق بین الملل حل و فصل نماید موازین زیر را اجرا خواهد کرد؛ الف ... ب؛ ... و ج، اصول عمومی حقوقی که مقبول ملل متمدن است.

از سوی دیگر چون مدت چندانی از عمر حقوق بین الملل کیفری نمی گذرد نمی توان از آن انتظار داشت که به اندازه حقوق داخلی از قواعد و مقررات جزئی و دقیق برخوردار باشد. بی شک معاهدات بین المللی که روند تصویب آنها در اکثر مواقع مدتها به طول می انجامد نمی تواند در بردارنده تمام مفاهیم پذیرفته شده حقوق داخلی در پیکره ی خود

1-International Criminal Tribunal for Yugoslavia (ICTY)

2- International Criminal Tribunal for Rwanda (ICTR)

3- International Criminal Court (ICC)

باشد. این نظریه همان گونه که در ادامه خواهد آمد در بحث عدم تفکیک علل موجهه جرم از علل رافع مسئولیت کیفری در گستره حقوق بین الملل کیفری مشاهده می‌گردد. از طرف دیگر نباید از یاد برد که در قلمرو حقوق کیفری گاه مشاهده می‌گردد که برخی قواعد حقوقی از حقوق بین‌الملل کیفری وارد حقوق داخلی کشورها شده است بدین جهت بررسی تطبیقی حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل کیفری از جوانب گوناگون مورد تاکید می‌باشد.

علل موجهه جرم در حقوق داخلی کشورها به عنوان عواملی که رکن قانونی جرایم را زائل نموده و باعث می‌گردند که فعل ارتكابی صورت مجرمانه خود را از دست بدهد و از نظر قانونگذار مباح تلقی شود از اهمیت ویژه ای در مباحث تئوری و عملی حقوقی برخوردار است. این اهمیت بحث در حقوق بین‌الملل کیفری که وظیفه رسیدگی به جرایم بین‌المللی را دارد دو چندان می‌شود. چرا که لطمات ناشی از جرایم بین‌المللی مثل جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت بسیار گسترده تر است و کل جامعه جهانی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. حال تبیین جایگاه علل موجهه جرم در قلمرو حقوق بین‌الملل کیفری - که تمسک ناروا به این عوامل می‌تواند به منع تعقیب مرتکبین جرایم بین‌المللی منجر شود - بسیار با اهمیت می‌نماید. البته برای تبیین دقیق این مطلب قطعاً باید جایگاه علل موجهه جرم در حقوق داخلی نیز مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. اهمیت بحث نگارنده را بر آن داشت که موضوع پایان نامه خود را اختصاص به بررسی تطبیقی علل موجهه جرم در قلمرو حقوق بین‌الملل کیفری و نظام حقوقی داخلی به ویژه حقوق ایران قرار دهد. تبیین جایگاه علل موجهه جرم در حقوق بین‌الملل کیفری در تقابل با علل رافع مسئولیت کیفری در همین قلمرو و به موازات آن تبیین جایگاه این دو مفهوم در حقوق داخلی یکی از مباحثی است که شاید کمتر مورد توجه حقوقدانان بین‌المللی قرار گرفته است. این فقدان توجه را می‌توان از عدم تفکیک و تمایز بین علل موجهه جرم و علل رافع مسئولیت کیفری در حقوق بین‌الملل کیفری مشاهده نمود. باید توجه داشت که با عنایت به آثار مهمی که بر تمایز میان دو نهاد حقوقی مذکور مترتب می‌شود (که این ترتب آثار نیز به دلیل تمایز مبنایی علل موجهه جرم از علل رافع مسئولیت کیفری می‌باشد که به نوبه خود آثار متعددی را در حقوق داخلی باعث شده است) به نظر می‌رسد بحث پیرامون تفکیک و تمایز علل موجهه جرم از علل رافع مسئولیت کیفری یکی از مباحث مهم حقوق بین‌الملل کیفری می‌باشد که نتیجه‌ی اساسی آن تعیین مصادیق هریک از این دو مفهوم در حقوق بین‌الملل کیفری می‌باشد. برای دستیابی به این مهم ناگزیر از ارائه معیار و ملاکی برای این تفکیک خواهیم بود. به نظر می‌رسد بهترین معیار و ملاک برای تفکیک بین علل موجهه جرم و علل رافع مسئولیت کیفری حقوق داخلی کشورها باشد. در خصوص اینکه چرا معیار و ملاک این دسته بندی باید حقوق داخلی کشورها باشد باید گفت که مهمترین دلیلی که برای آن می‌توان بیان نمود تبعیت حقوق بین‌الملل کیفری در بیان مفاهیم و اسلوبهای خود از نظام های حقوقی داخلی می‌باشد. برای اثبات این مطلب که حقوق بین‌الملل کیفری در بیان قواعد و اسلوبهای خود از حقوق داخلی تبعیت نموده است دو فرضیه را می‌توان مطرح نمود. اولین فرضیه ای که در بدو امر در این زمینه می‌توان مطرح کرد به سببه تاریخی هریک از این دو قلمرو بر می‌گردد. دومین فرضیه در یک نکته قابل طرح است و آن اینکه حقوق داخلی بنا به مقتضا و قلمرو وسیع تر خود که حافظ نظم اجتماعی داخلی یک کشور است و بدین جهت قوانین جامع الشمولی را در مورد اکثر مباحث کیفری مطرح می‌کند، از ذخیره تقنینی برخوردار است و به همین جهت منبعی بسیار موقوت برای دست اندر کاران حقوق بین‌الملل کیفری در تدوین مقررات و عهده فی مابین دولتها در طرح قواعد حقوق بین‌الملل خواهد بود. تصریح اساسنامه دیوان بین‌الملل

کیفری در بند ج ماده ۲۱ خود نیز قرینه ای بسیار محکم در خصوص قبول فرضیه تبعیت حقوق بین الملل کیفری از حقوق داخلی خواهد بود. در خصوص سابقه تاریخی طولانی حقوق داخلی در مقایسه با حقوق بین الملل کیفری این گونه می توان توضیح داد که ابتدایی ترین قواعد حقوقی در تاریخ بشر در قالب قواعد کیفری و در محدوده بسیار کوچک (در قلمرو یک قبیله و حداکثر یک شهر کوچک) شکل گرفت. در حقیقت بشر قبل از اینکه به فکر پی ریزی دیگر قواعد حقوق باشد نیاز خود را در تدوین قواعد کیفری احساس نمود. بدیهی است که جوامع کهن کوچک بوده و از افراد بسیار کم تشکیل می شد و به صورت قبیله ای و بسیار محدود اداره می شد و به تبع آن نظام کیفری حاکم نیز در سطح بسیار محدودی اعمال قدرت می کرد. زیرا نقطه شکل گیری حقوق بین الملل کیفری از زمانی بوده است که روابط بین دول شکل گرفته و مباحث حقوقی بین الملل به وجود آمده که مهمترین آنها جنگ و تبعات خصمانه و قواعد حاکم بر آن است که حقوق بین الملل کیفری را سازمان داده است. این توضیحات می تواند بیانگر این باشد که حقوق داخلی تاریخی بسیار کهن دارد و عمری به مراتب طولانی تر از حقوق بین الملل کیفری دارد. حداکثر عمری که برای حقوق بین الملل کیفری به معنای خاص آن می توان بیان کرد دادگاههای نورنبرگ و توکیو می باشد. همچنین در رابطه با این مطلب که حقوق داخلی به مراتب از قواعدی دقیق در مقایسه با حقوق بین الملل کیفری برخوردار است نیز می توان گفت؛ این حقیقت است که حقوق داخلی به دلیل قدمتی که دارد در مقایسه با حقوق بین الملل کیفری قواعدی منسجم، دقیق و جزئی دارد و دلیل عمده این مطلب هم این است که حقوق داخلی قدمتی بیشتر در مقایسه با حقوق بین الملل کیفری دارد. این عمر طولانی باعث شده است که در طول زمان نهادها و مفاهیم حقوقی متعددی در حقوق داخلی شکل گرفته و مورد بحث قرار گیرد و به تبع آن حقوق داخلی پیروید و دارای قواعدی منسجم و دقیق گردد. نهادهایی چون تعدد و تکرار جرم، اصولی چون اصل قانونی بودن مجازاتها و... همگی در طول تاریخ به وجود آمده و همین باعث شده است که حقوق داخلی همچون درختی سترگ و تنومند کلیه این قواعد را در بر داشته باشد. در مقابل حقوق بین الملل کیفری به دلیل عمر کوتاهی که دارد از قواعد دقیقی برخوردار نیست و بسیاری از مفاهیم که با دقت در حقوق داخلی مورد بحث قرار گرفته است در حقوق بین الملل کیفری مورد بررسی قرار نگرفته است. یکی از مهمترین این موارد همانا بحث علل موجهه جرم و مفاهیم مشابه آن است که در حقوق بین الملل کیفری آنچنان که باید بحثی صورت نگرفته است. در حالیکه در این مورد خاص نیز به عنوان مثال در حقوق داخلی بحثهای فراوان صورت گرفته است و مصادیق هریک در حقوق کیفری داخلی به وضوح روشن گردیده است. بدین جهات است که طرح مباحث تطبیقی بین حقوق بین الملل کیفری و حقوق داخلی کشورها از اهمیت به سزایی برخوردار است.

فصل اول

طرح تحقیق

۱-۱- شرح و بیان مساله پژوهشی

در خصوص تشریح علل موجهه جرم می‌توان گفت؛ در صورتی که فردی در مقام دفاع مشروع مرتکب جرمی گردد مثلاً در مقابل تجاوز غیر قانونی شخصی که قصد کشتن وی را دارد مرتکب قتل او گردد یا در حالتی اضطراری به منظور رهایی از تبعات خطری بزرگتر جرمی را انجام دهد به عنوان مثال در صورت دچار شدن به گرسنگی شدید اقدام به سرقت مواد خوراکی نماید و یا در مقام امثال از امر آمر قانونی مرتکب جرمی گردد، مثل فرضی که مافوق قانونی ماموری به او دستور شلیک گلوله ای دهد که منجر به قتل مجنی علیه گردد، قانونگذار با توجه به حالات فوق مرتکب را مستحق مجازات نمی‌داند و حتی او را اصولاً از مسئولیت مدنی نیز مبری می‌سازد. علل موجهه‌ی جرم که به عنوان کیفیاتی عینی و خارجی موجب زائل شدن عنصر قانونی جرم و در نتیجه مباح شدن عمل می‌شود در حقوق داخلی کشورها مورد قبول قرار گرفته و جایگاه آن در این حوزه مشخص است. مواد ۵۶، ۵۵ و ۶۱ قانون مجازات اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۰ به ترتیب اضطرار، امر آمر قانونی و دفاع مشروع را به عنوان علل موجهه‌ی جرم بیان نموده است. اما میزان پذیرش عوامل موجهه‌ی جرم در حوزه‌ی حقوق بین الملل کیفری محل سوال است و به روشنی مشخص نیست که در رویه‌ی قضایی دادگاههای بین المللی همچون دادگاههای نورنبرگ و توکیو و یا کنوانسیون های بین المللی و به ویژه اساسنامه‌ی دیوان بین المللی کیفری تا چه میزان عوامل موجهه‌ی جرم به رسمیت شناخته شده است و یا به

عنوان دفاع از سوی متهمین مسموع واقع شده است. لازم به ذکر است علل موجهه ی جرمی که در حقوق داخلی کشورها مورد پذیرش قرار گرفته است منحصر به موارد مذکور نیست و مواردی چون ارتکاب جرم برای عمل به قانون اهم را نیز شامل می‌گردد. علل موجهه ی جرم در حقوق داخلی ما از مفاهیم مشابه، چون علل رافع مسئولیت کیفری و معاذیر قانونی تفکیک می‌گردد. اما چنین تفکیکی در حقوق بین الملل کیفری وجود ندارد. به عنوان مثال در حقوق بین الملل کیفری جنون در ردیف امر آمر قانونی مطرح می‌گردد در حالیکه در حقوق داخلی ایران و فرانسه و برخی از کشورهای دیگر جنون از جمله موارد رافع مسئولیت کیفری است و امر آمر قانونی علل موجهه ی جرم محسوب می‌گردد. در این رساله ابتدا جایگاه علل موجهه جرم در حقوق داخلی ایران مشخص می‌گردد و مصادیق آن از موارد مشابهی که زیر مجموعه ی عوامل رافع مسئولیت کیفری است متمایز گردد. در ادامه به تجزیه و تحلیل بحث در حقوق بین الملل کیفری پرداخته می‌شود و مصادیق علل موجهه جرم و آثار آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. با عنایت به اینکه در حقوق بین الملل کیفری بین علل موجهه ی جرم و عوامل رافع مسئولیت کیفری تفکیکی وجود ندارد، در این رساله تلاش می‌گردد با توجه به معیارهای حقوق داخلی به اصول و قواعدی برای تمییز این دو مفهوم در حقوق بین الملل کیفری دست یافت.

۱-۲- سوالات و فرضیه‌های تحقیق

یکی از سولاتی که در این قسمت قابلیت طرح دارد این است که در تعریف و تعیین مصادیق علل موجهه جرم در حقوق بین الملل کیفری تا چه میزان از معیارهای حقوق داخلی استفاده شده است؟
فرضیه: به نظر می‌رسد حقوق بین الملل کیفری در این حوزه متأثر از معیارهای حقوق داخلی می‌باشد.
همچنین این سوال مطرح می‌شود که تفکیک بین علل موجهه جرم از مفاهیم مشابه و از جمله علل رافع مسئولیت کیفری چگونه است و تا چه میزان شبیه معیارهای حقوق داخلی در تفکیک این دو مفهوم می‌باشد؟
فرضیه: نظر می‌رسد در حقوق بین الملل کیفری بر خلاف حقوق داخلی ایران تمایزی بین علل موجهه ی جرم و علل رافع مسئولیت کیفری وجود ندارد.
سوالی دیگری که در این تحقیق سعی می‌شود به آن پاسخ گفت این است که آثار علل موجهه جرم در حقوق بین الملل کیفری چگونه است و آیا تاثیر این عوامل در حقوق بین الملل کیفری همچون حقوق داخلی است و در صورت منفی بودن پاسخ میزان تفاوت تا چه اندازه است؟

فرضیه: به نظر می‌رسد در حقوق بین الملل کیفری نیز تاثیر علل موجهه ی جرم در زوال عنصر قانونی و اباحه ی عمل به اندازه ی حقوق داخلی است.

۱-۳- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق

گلدوزیان (۱۳۸۴) در کتاب خود به تشریح و توضیح علل موجهه ی جرم به عنوان عناصر زائل کننده ی جرم از منظر حقوق داخلی ایران پرداخته و به موازات آن از بررسی تطبیقی موضوع با حقوق فرانسه غافل نبوده است. اما این کتاب در مقام تبیین جایگاه علل موجهه ی جرم در حقوق بین الملل کیفری نبوده است. همچنین در این کتاب بحث تطبیقی در خصوص جایگاه علل موجهه جرم در حقوق داخلی و حقوق بین الملل کیفری به میان نیامده است.

اردبیلی (۱۳۸۵) نیز در کتاب خود با روشی مشابه به توضیح مفهوم علل موجهه جرم در حقوق ایران پرداخته و بررسی تطبیقی بحث را در قانون و رویه ی قضایی فرانسه مطرح نموده است. اما در این کتاب نیز بحثی از جایگاه علل موجهه ی جرم در حقوق بین الملل کیفری و تطبیق آن با نظام حقوقی بین المللی به میان نیامده است.

شریف بسیونی^۱ (۱۹۹۹) در کتاب خود به صورت ضمنی به جایگاه عوامل موجهه ی جرم در حقوق بین الملل کیفری اشاره دارد اما در این کتاب نیز تطبیقی بین نظام حقوقی کیفری بین المللی و نظام حقوقی داخلی انجام نگردیده است.

کیتی شیایزری^۲ (۲۰۰۱) در کتاب خود تا حدودی به جوانب بحث اشاره نموده است اما در این کتاب نیز در خصوص این موضوع تجزیه و تحلیلی متناسب با اهمیت بحث صورت نگرفته است.

بنتکاس و ناش^۳ (۲۰۰۳) در این کتاب همچون رویه ی حاکم در نگارش کتب حقوق بین المللی کیفری بین مواردی چون جنون که در حقوق داخلی در ردیف عوامل رافع مسئولیت کیفری به شمار می آید و علل موجهه جرم تفاوتی به چشم نمی خورد. در این کتاب بیشتر به جای ارائه ی اصول و مبانی روشن موضوع به بررسی و تحلیل پرونده های بین المللی مربوطه پرداخته شده است که به این ترتیب ما را از داشتن اسلوبی کلی که بتوان در هر مورد خاصی به کار بست و به وسیله ی آن حکمی شایسته صادر نمود محروم میسازد. عدم تبیین دقیق اصول و مبانی بحث از یکسو و فقدان معیارهای مشخص برای تمییز عوامل موجهه ی جرم از مفاهیم

¹ - Cherif Bassiouni, 1999 .

² - Kittichaisaree, 2001

³ - Bantekas & nash.

مشابه نظیر علل رافع مسئولیت کیفری با توجه به آثار ویژه ی هریک از مهمترین اشکالات وارده بر این کتاب می باشد.

فیوضی (۱۳۸۶) نیز در بخشی از کتاب خود به بیان شرایط و اوضاع و احوالی که ارتکاب یک عمل غیر قانونی را توجیه و موجه می کند پرداخته و مواردی چون دفاع مشروع، شرایط الزام آور، حق توسل به جنگ، امر مافوق، معارضه به مثل و رضایت کشور زیان دیده را در شمار مصادیق علل موجهه ی جرم آورده است که نسبت به سایر کتب در تحلیل مطالب شایسته تر عمل نموده است

کسسه^۱ (۱۳۸۷) در کتاب خود به صورت مبسوطی به طرح این موضوع پرداخته اما او نیز تمایزی بین علل موجهه ی جرم و عوامل رافع مسئولیت کیفری همانگونه که در حقوق داخلی مطرح است قائل نشده است و مصادیق علل موجهه ی جرم را زیر عنوان عوامل رافع مسئولیت کیفری مطرح کرده است.

۱-۴- اهداف تحقیق

یکی از اهداف این تحقیق تبیین میزان پذیرش اسلوبها و قواعد حقوق داخلی کشورها به ویژه حقوق داخلی ایران در تعریف و تعیین مصادیق علل موجهه ی جرم در گستره حقوق بین الملل کیفری می باشد. تبیین جایگاه علل موجهه ی جرم در حقوق بین الملل کیفری در تقابل با علل رافع مسئولیت کیفری در همین قلمرو و به موازات آن تبیین جایگاه این دو مفهوم در حقوق داخلی ایران از دیگر اهداف این تحقیق می باشد.

از اهداف دیگر تدوین این پایان نامه تبیین تفاوتها و تشابهات در تعریف و تعیین مصادیق علل موجهه ی جرم در حقوق داخلی ایران و حقوق بین الملل کیفری می باشد.

۱-۵- اهمیت و ارزش تحقیق

اهمیت تحقیق در قلمرو حقوق کیفری به عنوان برجسته ترین بخش نظام عدالت قضایی که عهده دار حمایت کیفری از ارزشهای اساسی و حیاتی جامعه است بر کسی پوشیده نیست. حقوق بین الملل کیفری نیز که امروزه به جهات مختلف مورد توجه مضاعف قرار گرفته است و با توجه به فقدان منابع حقوقی فارسی در مورد آن، نیاز به توجهی بیشتر برای بالندگی و شکوفایی دارد. امروزه می توان به نوعی حقوق بین الملل کیفری را نقطه عطف حقوقدانان کیفری کشورهای مختلف اعم از کامن لا و حقوق نوشته دانست که حاصل اندیشه های حقوقی آنان در پیکره ی نظام بین المللی نمود یافته است. از همین رو در بررسی بخش های این نظام

¹ - Cassesse